



28 آگست 2017

داکتر سید عبدالله کاظم

## استراتژی جدید امریکا و مخالفت گروه ها در داخل افغانستان

نگاهی به نکات عمده این استراتژی:

خروج قوای امریکائی از افغانستان که دونالد ترامپ با عبارات مختلف در موقع مبارزات انتخاباتی طی سال 2016 اظهار می کرد، مایه امیدواری کسانی در داخل و خارج افغانستان بود که بیصبرانه انتظار آنروز را داشتند و از همان وقت خود را آماده می ساختند تا در میدان به اصطلاح "شغالی" مثل سالهای 1992 بار دیگر در کنج و کنار افغانستان برای خود جایگاه قدرت و معامله گری ایجاد نمایند. وقتی بطور غیرمترقب ترامپ برنده انتخابات امریکا شد و به ریاست جمهوری رسید، همه چشم ها بسوی او دوخته شده بودند که امروز و فردا ترامپ به وعده انتخابانی خود وفا خواهد کرد و خروج قوای کشورش را از افغانستان اعلام خواهد نمود. هفت ماه در قصر سفید از هر باب سخن گفته شد، اما یک حرف در مورد آینده قوای امریکائی در افغانستان گفته نشد و اعلام این موضوع از یک روز به روز دیگر به تعویق می افتاد، تا آنکه در شام 21 آگست قرار شد رئیس جمهور امریکا با ایراد یک سخنرانی پرده از این راز سر به مهر خود بردارد. او در آغاز بیانیه خود گفت: «بعد از مراسم تحلیف، من به وزیر دفاع آقای مارتیس و تیم امنیت ملی خود دستور دادم تا یک بازنگری جامع در مورد گزینه های استراتژیک در برابر افغانستان و آسیای جنوبی انجام دهند. هدف عمده خروج نیروها از افغانستان بود. من اساساً روی این قول خود ایستاده ام، اما این را باید بگویم که تصمیم گرفتن در این زمینه فرق میکند. وقتی شما رئیس جمهور هستید و در عقب میز در قصر سفید می نشینید، بازهمه چیز فرق میکند. من با تمام جزئیات و زوایای مختلف مورد نظر در باره افغانستان مطالعه کرده ام. بعد از چندین نشست طی چند ماه گذشته من آخرین نشست خود را روز جمعه گذشته در "کمپ دیوید" با اعضای کابینه خود و جنرالها برای تکمیل نمودن استراتژی خود برگزار کردم.»

ترامپ در ادامه گفتار خود تصریح کرد که: «خروج عجولانه [قواء از افغانستان] خلایی را ایجاد خواهد کرد که جای آنرا تروریستان از جمله داعش و القاعده پر خواهند کرد. چنین رویداد پیش از حمله 11 سپتمبر نیز اتفاق افتاد. طوریکه همه آگاه هستیم در سال 2011 امریکا بطور عجولانه و از روی اشتباه نیروهای خود را از عراق بیرون کرد که در نتیجه دست آوردهای ما دوباره بدست دشمنان و تروریستان افتاد.... در خلایی که ما ایجاد کردیم، بسیار زود برای داعش فرصت داد تا فعالیت خود را گسترش دهد، رشد کند، سربازگیری کند و دست به حملات بزند. اشتباهاتی را که رهبران ما در عراق انجام دادند، ما در افغانستان تکرار نخواهیم کرد.»

او گفت: «ما برای کامیاب شدن در این جنگ از تاریخ خواهیم آموخت. در نتیجه بازنگری هم جانبه ما استراتژی امریکا در برابر افغانستان و آسیای جنوبی بطور چشمگیری تغییر خواهد کرد. پایه اصلی آن استراتژی ما از تمرکز بالای زمان و تمرکز روی وضعیت جاری در میدان جنگ تغییر خواهد کرد. من این را بارها گفته ام، تعیین زمان برای گزینش نظامی ما برای امریکا مؤثر و خوب نیست.»

د پانو شمیره: له 1 تر 6

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابلې. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de)

یادونه: دلېکنې د لېکنيزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هيله من یو خپله لیکنه له رالیرلو مخکې په خیر و لولئ

ما در مورد تعداد عساکر و اهداف ما برای گسترش فعالیت های بیشتر نظامی سخن نمی‌زنیم. ازین به بعد وضعیت میدان جنگ استراتژی ما را تعیین و رهبری خواهد کرد، نه اینکه جدول زمانی خود سرانه دشمنان امریکا نباید پلانهای ما را بدانند یا انتظار بیرون رفتن ما باشند. من اینرا نمی‌گویم که چه وقت تصمیم به حمله بگیریم و این را می‌گویم ما حمله خواهیم کرد.»

ترامپ به صراحت بیان کرد که: «امریکا به حمایت خود از دولت افغانستان و اردوی افغانستان که با طالبان در میدان جنگ مبارزه میکنند، ادامه میدهد. در نهایت مردم افغانستان هستند که آینده کشور شانرا می‌سازند. اما باید [آنها] خود، جامعه خود را اداره کنند و یک صلح پایدار را به وجود آورند. مایک شریک و دوست هستیم، اما ما مردم افغانستان را برای زندگی کردن دیکته نمی‌کنیم که آنها چطور زندگی داشته باشند و یک جامعه پیچیده خود را چگونه اداره کنند. ما دیگر در پی بازسازی دیگران نمی‌برائیم، تروریستان را تنها می‌کشیم.»

او در مورد پاکستان علاوه کرد که: «قدم دیگر استراتژی جدید ما تغییرموضع ما در برابر پاکستان است. ما بیشتر از این نمی‌توانیم در برابر پاکستان بابت پناه دادن این کشور به سازمانهای تروریستی، طالبان و گروه های دیگر که به منطقه و فراتر از آن خطر ایجاد میکنند، ساکت باشیم... شراکت ما با کشورهای که به تروریستان و شورشیان پناه میدهند و این شورشیان نیروهای امریکائی را هدف قرار میدهند، ادامه نخواهد داشت. حالا زمان آنست که پاکستان تعهد خود را در برابر متمدن سازی و صلح نشان دهد.»

ترامپ در بیانیه خود کشور هند را "شریک کلیدی امنیتی امریکا" نامید و از نقش و همکاری آن کشور یادآوری کرد و گفت: «ما از همکاری های هند برای آوردن ثبات در افغانستان قدردانی می‌کنیم... ما از این کشور میخواهیم تا ما را بیشتر در افغانستان کمک کند، بخصوص در بخش های اقتصادی و انکشافی. ما متعهد به پیروی از اهداف مشترک ما در برابر صلح و امنیت در جنوب آسیا هستیم.»

او در اخیر بیانیه خود علاوه کرد: «فرماندهان ما که در میدان جنگ هستند و عساکر ما که در جبهه جنگ حضور دارند، با تمام صلاحیت در زمان تعیین شده و با یک ماموریت به شکست دشمنان اقدام کنند. ما همچنان صلاحیت های نیرو های مسلح ما را بلند می‌بریم تا شبکه های تروریستی، قاتلین و مجرمین را که در اکثر نقاط افغانستان آشوب و خشونت ایجاد میکنند، هدف قرار دهند. این قاتلین باید بدانند که جای برای پنهان شدن ندارند و هیچگاه از چشم و دید سلاح امریکائی دور نخواهند ماند....»

اینکه چرا و چگونه نظر جنرالها برنظر جناح غربی قصر سفید فایق آمد و دیدگاه ترامپ را از آنچه در اول درارتباط با خروج قواء گفته بود، تغییر داد تا استراتژی جدید را در مورد افغانستان و آسیای جنوبی شکل دهند، میتوان به دلایل عمده آن اشاره کرد که اگر امریکا قوایش را از افغانستان بیرون کند، در آنصورت:

– افغانستان بار دیگر مبدل به لانه امن برای تروریست‌های بین‌المللی خواهد شد و آنها از آنجا امریکا و متحدانش را مورد حمله قرار خواهند داد؛ – سیل پناه جویان در کشور های غربی سرازیر خواهد شد؛ – شبکه های تروریستی جدید در اطراف و اکناف دیگر جهان سربلند خواهند کرد و امنیت و ثبات را در همه جا برهم خواهند زد؛ امریکا و ناتو در جهان به حیث یک قدرت شکست خورده تلقی شده و اعتبار بین المللی آن زیر سؤال خواهد رفت.

## عکس العمل کشورهای منطقه و فرا منطقه در مورد استراتژی جدید امریکا:

مسلم است که افغانستان یکبار در قرن 19 بین دو ابر قدرت انگلیس و روس خورد و خمیر شد. بار دوم در زمان جنگ سرد بین رقبای "شرق و غرب" در راس آن شوروی و ایالات متحده امریکا قرار گرفت، بخصوص پس از کودتا ثور و تهاجم قوای شوروی از 1978 تا 2001 افغانستان و مردم آن جنگهای خونین و دوامدار را با ویرانی های بیشمار در سرتاسر کشور تجربه کردند. اما پس از سقوط طالبان و جاگزین شدن قوای 44 کشور جهان در راس آن قوای امریکائی از 2001 تا حال افغانستان صحنه رقابت های چندین جانبه کشورهای منطقه و فرا منطقه قرار گرفته و هریک توانسته گروپهای مورد نظر خود را در داخل افغانستان تعبیه و تقویه نمایند و به این بازی بزرگ جدید که در آن تعداد زیاد رقبای منطقه و فرا منطقه بصورت آشکار و یا پنهان دست دارند، در افغانستان شکل پیچیده و بغرنج دهند.

ایران از یکسو، پاکستان از سوی دیگر، روسیه، چین، هند، عربستان سعودی، ترکیه به شمول کشورهای غربی از جمله امریکا، انگلستان، کانادا و دیگر ممالک غربی هریک به نوبه خود علایق کم و بیش در افغانستان و آینده آن دارند که گاهی بصورت مستقل و گاهی بطور گروپی در این بازی سیاسی که بسیار شباهت با "بازی موش و پشک" دارد، درگیر هستند. در قبال این بازیهای سیاسی و رویدادهای ناهنجار و مصیبت بار آن، فقط ملت افغانستان است که رنج میکشد و بار گران جنگ ها و حملات انتحاری، اختطاف و ترورشخصیت ها، دزدی و غارت دارائی های عامه، بمباردمانها، ویرانی ها، ذهنیت سازیها، تهدیدها، بستن اتهامات و صدها مصیبت دیگر را متحمل میشوند. (درباره عکس العمل کشورهای رقیب با امریکا در افغانستان مقالات زیاد به نشر رسیده که تکرار مطالب آن در اینجا مطمح نظر نیست، بخصوص عکس العمل در پاکستان و روسیه)

## موقف گروه های داخلی در برابر استراتژی جدید امریکا:

اگر از نفوذگرائی ها و تخریبات مرئی و نامرئی ناشی از این رقابت ها بین کشورهای ذیعلاقه در امور افغانستان بگذریم و توجه را به گروه بندی ها و جنبه و پره های داخلی معطوف سازیم، یکی از معضلات روبه افزایش در داخل کشور همانا بروز اختلافات و تعصبات قومی، زبانی و مذهبی میباشد که در این اواخر بیشتر از پیش مشکلات جدی را برای کشور و مردم بار آورده و ثبات و امنیت کشور را به مخاطره انداخته است. ترکیب به اصطلاح "هشت رخ، نو گرد" حکومت "وحدت ملی" این حالت را به وضاحت به نمایش میگذارد، چنانکه گروه های داخل در حکومت، در عین زمان نقش "اپوزسیون" را نیز بازی میکنند، اپوزیونی که حکومت را جداً به سقوط تهدید میدارند. معلوم نیست که ریاست جمهوری تهدیدات و سرکشی های آنها را به دلیل ناموجهی که "آنها شامل حکومت اند" بی اهمیت جلوه میدهد و اما آنها هریک چنان با دهن پارگی صحبت میکنند که گوئی از دشمن، دشمن تر اند.

از مدتیست که پس از بازگشت حکمتیار به وطن و موقف گرفتن ها و توصیه های نیشدارانه او موجب بعضی عکس العمل های مخالفان قبلی و موجود او گردیده و آنها را به یک سلسله انعکاسات تند کشانیده است. عطامحمد نور، رشید دوستم، محقق، ضیاء مسعود، انوارالحق احدی، ظاهر قدیر، حامد کرزی و دار و دسته او از جمله کریم خرم، ایمل فیضی و اسپنتا و بعضی دیگر، تیم امنیت ملی رئیس جمهور را متهم به دامن زدن تعصبات قومی و ناکارائی در امور می سازند و خواهان برکناری فوری بعضی از نزدیکان سیاسی رئیس جمهور شده اند. آنها برای تمرکز قدرت به

د پانو شمیره: له 3 تر6

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de)

یادونه: دلیکني د لیکنيزي بني پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هيله من يو خپله لیکنه له رالیرلو مخکي په خیر و لولئ

سازماندهی جبهات سیاسی پرداخته و تلاش دارند تا از گروپ های ناراض از حکومت که اصلاً بین خود کمتر مخرج مشترک دارند، یک قدرت ائتلافی را بنام "جبهه نجات افغانستان" در برابر حکومت تشکیل دهند و با به رخ کشیدن "قدرت مردمی" خود، حکومت را به سقوط تهدید کنند و با پخش افواها در رسانه ها میکوشند ذهنیت مردم را علیه حکومت وحدت ملی، بخصوص رئیس جمهور غنی تحریک نمایند (سخنرانی اخیر عطا محمد نور اگرچه بیشتر در مورد حکمتیار بود، اما در فحواي آن اظهارهای برای اشرف غنی و امریکا را نیز دربرداشت که میتوان آنرا در فیسبوک شنید و در جواب آن به دفاع از حکمتیار مقاله مصطفی عمرزی تحت عنوان "بیان ستودنی امیر حزب اسلامی"، مورخ 28 اگست 2017 را در این پورتال مطالعه کرد).

با گسترش رسانه ها و ویبسایت های متعدد در داخل و خارج کشور هریک از این اشخاص میکوشند، مقالاتی به نشر بسپارند و به نحوی در تخریب و تحریک ذهنیت ها اثر بگذارند و بنام آزادی بیان زهریات خود را در اذهان کسانی که بیشتر با احساسات بر موضوعات می نگرند و از عمق قضایا درک لازم ندارند، تزریق نمایند و به اصطلاح "آب را خت کرده و ماهی بگیرند"، چنانکه در همین روز ها دو مقاله از همین نوع در پورتال افغان جرمن آنلاین یکی بوسیله عبدالکریم خان خرم و دیگری توسط ایمل خان فیضی (هر دو از وابستگان سیاسی حامد خان کرزی) در ارتباط با موضوع استراتژی جدید امریکا در مورد افغانستان به نشر رسیده است. (علاقمدان میتوانند مقالات مذکور را در آن پورتال مطالعه فرمایند: مقاله کریم خرم تحت عنوان: "آینده تاریک افغانستان در پرتو ستراتیژی ترمپ"، مورخ 26 اگست 2017؛ مقاله ایمل خان فیضی: "استراتژی جدید امریکا عامل تداوم اشغال و استعمار در افغانستان"، مورخ 27 اگست 2017).

به این اساس دیده میشود که اعلام استراتژی جدی امریکا نیز یکی از مباحثی است که علاقمدان قدرت در کشور و کسانی که از بی ثباتی افغانستان منفعت می برند و نمیخواهند در کشور ثبات و امنیت حاکم شود، نیز میکوشند تا به نحوی این استراتژی را با تعابیر سوء، بی اهمیت و برای افغانستان زیانمند وانمود سازند. آنها با تردستی و منفی بافی ها میکوشند موقف امریکا را در افغانستان به شکلی توجیه دارند که آرزومندی طالبان، القاعده، داعش، گروه های متعهد به پاکستان، ایران و روسیه را تقویه و پایه دهند. علاوهً همین نوع ابراز نظرها موجب میشود تا عناصر دیرگراز قبیل قدرتهای بزرگ مافیای مواد مخدر، قاچاقبران بزرگ دیگر امتعه اقتصادی، غاصبان زمین و معادن افغانستان، اراکین دولت اعم از تعدادی از وکلای پارلمان و سائر اورگانهای دولتی که با هم در یک "مثلت نامقدس" شریک در معاملات اند و همه در مجموع برای تأمین منافع شخصی خود و بدست آوردن مقام و ملیونها دالر خواهان بی ثباتی افغانستان میباشند، نیز در این راه سنگ اندازی مستقیم و غیرمستقیم نمایند.

آنها مدعی اند که استراتژی جدید امریکا موجب ادامه جنگ در افغانستان میشود. آیا آنها گاهی هم فکر کرده اند که اگر امریکا قوای خود را از افغانستان بیرون کند، چه حوادثی در کشور روی خواهد داد؟ آیا وضع به سالهای 1992 و بعد از آن دوره تاریک طالبانی دوباره برگشت خواهد کرد؟ آنوقت جنگ قومی و تباری که همین حالا بوی بد آن به مشام میرسد، دوباره از سر گرفته خواهد شد و در نتیجه کشور در چند دست و هر دست زیر نفوذ یک کشور رقیب در این بازی بزرگ جدید از هم نخواهد پاشید؟ اگر بار دیگر اوضاع کشور به آن سمت کشانیده شود، دیگر قدرتی نخواهد بود که افغانستان را از این بحران تباه کن بیرون بکشد.

همین گروه ها هستند، بجای آنکه یک راه حل عملی را ارائه دهند، به این نکته تأکید میدارند که اقدامات نظامی راه حل نیست، باید موضوع از طریق مصالحه حل گردد. اما نمیگویند که مصالحه با کی؟ وقتی این سؤال مطرح میشود، آنوقت حرفی ندارند که به آن جواب مشخص ارائه نمایند. اگر منظور طالبان است، مصالحه با کدام عناصر طالب؟ آیا فکر میشود که یگانه عامل بی ثباتی و ناامنی طالبان باشند؟ باید گفت که طالبان و داعش پرده پوش جوانب بین المللی قضیه میباشند، در واقع عامل عمده در ایجاد بی ثباتی همانا گروه قدرتمند مافیای مواد مخدر در سطح بین المللی است که آنها از پول و قدرت وافر برخوردار اند. همین مافیا است که نفر ها را بوسیله پول استخدام میکند و بر سر آنها گاهی دستار سفید و گاهی دستار سیاه می گذارد و برای شان شعار اسلامی می تراشند تا اسلام را روپوش معاملات خود سازند و همین مافیا است که مدارس دینی را برای تربیه و مغزشوئی جوانان معصوم تمویل و در ساحات مختلف پاکستان فعال میگرداند.

جای شک نیست که آنها در داخل حکومت و در داخل نظامیان پاکستانی، طوریکه در افغانستان نفوذ کرده اند، نیز حلقات خود را نصب نموده و یا بزور پول آنها را استخدام کرده اند. جای شک نیست که سران مدارس دینی و نیز استادان آنها از همین مجرا امرار معاش کنند و آگاه یا ناآگاه خود را در خدمت این مافیای بزرگ و نامرئی قرار دهند.

امریکا و کشورهای غربی همه بخوبی از این واقعیت تلخ جهانی آگاه هستند و میکوشند افغانستان را که اکنون به مرکز بیش از 90 فیصد تولید مواد مخدر جهان تبدیل شده است، از دست و تسلط مافیا بدور نگهدارند، اما این مطلب را نمیتوانند وسیله و دلیل اقدامات خود در افغانستان سازند، زیرا مردم آن کشورها حاضر نیستند بر علیه چنین اقدامی پول و جان جوانان خود را در جنگ با مافیا قربان کنند و بر مشروعیت سیاست دولتهای خود در این زمینه مهر تأیید بگذارند، مگر آنکه حکومتهای شان بجای مافیا، تروریسم را عنوان نمایند و آنرا خطر امنیتی برای کشورهای خود دانسته مردم خود را آماده قبول اقدامات خود سازند.

کس نمیداند که پشت پرده مقصد از استراتژی جدید امریکا که به جنرالها و نظامی های خود صلاحیت بیشتر جنگی اعطا کرده و دست آنها را بخصوص در حملات هوایی آزاد گذاشته است، بیشتر مبارزه با مافیا باشد تا از یکطرف با سرکوبی آنها از قدرت مافیا بکاهد و ازطرف دیگر عامل اصلی بی ثباتی و نا امنی را در افغانستان تضعیف و یا از بین ببرد و در عین زمان نشان دهد که آنها موفق به سرکوبی "تروریست ها" شده و اعتماد جهان را نسبت به خود تقویه نمایند.

همچنان کس نمیداند و سندی در دست نیست که همه مخالفان استراتژی جدید امریکا در افغانستان را متهم به همکاری با مافیا کرد، شاید بعضی از آنها محض با دلایل کوچکتر از جمله رسیدن به قدرت سیاسی و یا انگیزه های دیگر بکوشند خود را به حیث مخالف مطرح سازند و توجه مردم و یا مقامها را به خود جلب نمایند تا بار دیگر شامل قدرت شوند و یا اینکه با این ترتیب میخواهند با شیره کشی اقتصادی از وجود مافیا خود را بهره مند سازند.

استراتژی جدید امریکا در قبال افغانستان اگرچه به نکات مهم تماس گرفته، ولی در یک مورد که بسیار مهم است، اغماض کرده و آنهم موضوع نقش قدرتهای موازی به حکومت که یکی از مشکلات جاری در ایجاد بی نظمی و خودسریها در داخل نظام میباشد و عناصر دیگر از این حالت سخت بهره برداری میکنند. امید است در این مورد توجه جدی مبذول گردد و گوش کسانی که با براه انداختن داعیه های قدرت، میخواهند در داخل حکومت، حکومت دیگر را ایجاد کنند، رسیدگی جدی بعمل آید. اگر

د پانو شمیره: له 5 تر 6

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته راښوئې. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینګه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de)  
یادونه: دلیکني د لیکنيزي بني پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هيله من يو خپله لیکنه له رالیرلو مخکي په خیر و لولئ

از اینکار جلوگیری نشود، ممکن است قدرتهای مافیائی فعال در کشور که بعداً در باره صحبت خواهد شد، از این ضعف قدرت دولت مرکزی برای بی ثباتی در کشور بیشتر بهره برداری سوء استفاده نمایند.

متأسفانه مردم بیچاره ما از این نوع بازیهای زیر پرده چندان آگاه نیستند و همه مسائل را در سطح می بینند و روی آن بیشتر با احساسات و خوشباوری قضاوت میکنند، در حالیکه جریان مسائل در عمق آن شکل میگیرد که باید به آن دقت کرد و کوشید تا پشت پرده را دید و پشت ورق را خواند.

مردم نباید به حرفهای این و آن گوش دهند، بخصوص کسانی که اخیراً در رقابتهای گروهی و قومی یکی علیه دیگر زبان باز کرده و در سطح کوچه و بازار صحبت میکنند و عمال شان در رسانه ها و ویبسایت ها و همچنان در صفحات فیسبوکی خود به پخش مسائلی می پردازند که همه جنگ قومی، زبانی و مذهبی را در کشور دامن می زنند و میخواهند با این وسیله جای پای خود و گروه خود در بین مردم خوشباور و سطحی نگر پیدا کنند، بدون آنکه به عواقب آن که متلاشی شدن وحدت ملی است، کوچکترین توجهی داشته باشند. مردم باید دیگر به حرف کسانی که سالها آزموده شده اند، فریب نخورند. چه خوب گفته اند که: "آزموده را باز آزمودن خطاست"، از هر طیف و از هر قشر و قومی که باشند. والسلام

---

د پانو شمیره: له 6 تر 6

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de)  
یادونه: دلیکنی د لیکنیزی بنی پازوالی د لیکوال په غاره ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیرلو مخکې په خیر و لولئ